

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقایسه سبک دل‌بستگی و مقابله‌ای در زنان مطلقه و عادی

مؤلف
مهناز حسینی

انتشارات فرزندگان دانشگاه

۱۳۹۸

سرشناسه	: حسینی، مهناز، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور	: مقایسه سبک دل‌بستگی و مقابله‌ای در زنان مطلقه و عادی / مولف مهناز حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: فرزندگان دانشگاه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۸ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۳۸۷۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: دل‌بستگی -- ایران -- نمونه‌پژوهی
موضوع	: Attachment behavior-- Iran-- Case studies
موضوع	: متاهلان -- ایران -- روان‌شناسی -- نمونه‌پژوهی
موضوع	: Married people -- Iran -- Psychology -- Case studies
موضوع	: زنان مطلقه -- ایران -- بهداشت روانی -- نمونه‌پژوهی
موضوع	: Divorced women -- Iran -- Mental health -- Case studies
رده بندی کنگره	: BF۵۷۵
رده بندی دیویی	: ۱۵۵/۹۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۶۴۴۳۰

انتشارات فرزندگان دانشگاه

مقایسه سبک دل‌بستگی و مقابله‌ای در زنان مطلقه و عادی

تألیف: مهناز حسینی

ناشر: فرزندگان دانشگاه

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: 978-622-6538-79-4

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

و كلمة الله هي العليا و الله عزيزٌ حكيم

« توبه، آيه ٤٠ »

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	فصل اول
۱۳	کلیات.....
۱۳	۱-۱- مقدمه.....
۱۵	۲-۱- بررسی ماهیتی موضوع این اثر علمی.....
۱۸	۳-۱- اهمیت و ضرورت تالیف این کتاب.....
۱۹	۴-۱- اهداف تالیف این کتاب.....
۱۹	۵-۱- فرضیه های مطروحه مولف.....
۲۰	۶-۱- تعاریف مفهومی.....
۲۱	۷-۱- تعاریف عملیاتی :.....
۲۳	فصل دوم
۲۳	مبانی نظری و پیشینه علمی.....
۲۳	۱-۲- بررسی سبک دل بستگی.....
۲۳	۱-۱-۲- تعریف سبک های دل بستگی.....
۲۳	۲-۱-۲- نظریه های دل بستگی.....
۲۴	۳-۱-۲- مرحله پیش دل بستگی (تولد تا ۶ هفتگی).....
۲۴	۴-۱-۲- مرحله دل بستگی در حال شکل گیری (۶ هفتگی تا ۸-۶ ماهگی).....
۲۵	۵-۱-۲- مرحله دل بستگی واضح (۸-۶ ماهگی تا ۱۸ ماهگی الی ۲ سالگی).....
۲۵	۶-۱-۲- تشکیل رابطه متقابل (۱۸ ماهگی تا ۲ سالگی و بعد از آن).....
۲۶	۷-۱-۲- نظریه روان تحلیل گری.....
۲۷	۸-۱-۲- نظریه اریکسون.....
۲۸	۹-۱-۲- هارلو.....
۲۹	۱۰-۱-۲- نظریه رفتارگرایی.....
۳۰	۱۱-۱-۲- دیدگاه کردارشناسی.....
۳۱	۱۲-۱-۲- نظریه یادگیری اجتماعی.....
۳۱	۱۳-۱-۲- نظریه روان شناسی شناختی.....
۳۲	۱۴-۱-۲- الگوهای دل بستگی.....
۳۳	۱-۱۴-۱-۲- دل بسته نایمن / اجتنابی :.....

- ۳۳..... ۲-۱۴-۱-۲- دل بستگی مضطرب / دو سوگرا:
- ۳۳..... ۳-۱۴-۱-۲- ثبات و پویایی الگوهای دل بستگی
- ۳۴..... ۴-۱۴-۱-۲- ثبات دل بستگی در بزرگسالی
- ۳۷..... ۱۵-۱-۲- نظریه دل بستگی = دیدگاهی القاط نگر
- ۳۸..... ۱۶-۱-۲- تفاوت الگوهای فعال درونی و دل بستگی
- ۴۰..... ۱۷-۱-۲- اصول نظریه دل بستگی
- ۴۲..... ۱۸-۱-۲- ماهیت رشته های دل بستگی در روابط زوجی
- ۴۴..... ۲-۲- بررسی و تحلیل طرحواره های ناسازگار اولیه
- ۴۷..... ۲-۲- ۱- ریشه های تحولی طرحواره ها
- ۴۸..... ۲-۲- ۲- حوزه اول: بریدگی و طرد
- ۴۸..... ۲-۲- ۳- حوزه دوم: خودگرانی و عملکرد مختل
- ۴۹..... ۲-۲- ۴- حوزه سوم: محدودیت‌های مختل
- ۵۱..... ۲-۲- ۶- حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
- ۵۳..... ۲-۲- ۷- عملیات طرحواره
- ۵۳..... ۲-۲- ۸- تداوم طرحواره
- ۵۴..... ۲-۲- ۹- ترمیم طرحواره
- ۵۴..... ۲-۲- ۱۰- پاسخ‌ها و سبک‌های مقابله‌ای ناسازگارانه
- ۵۵..... ۲-۲- ۱۱- تسلیم شدن به طرحواره:
- ۵۶..... ۲-۲- ۱۱- اجتناب از طرحواره:
- ۵۶..... ۲-۲- ۱۲- بیش جبران کردن طرحواره:
- ۵۷..... ۲-۲- ۳- سبک مقابله
- ۵۹..... ۲-۳- ۱- تاریخچه و تعاریف سبک مقابله
- ۶۰..... ۲-۳- ۲- انواع راهبردهای مقابله و عوامل موثر بر آن
- ۶۰..... ۳-۳- ۳- مقابله سازگارانه در مقابل ناسازگارانه
- ۶۱..... ۲-۳- ۴- راهبردهای هیجان محور در مقابل راهبردهای مسأله محور
- ۶۲..... ۲-۳- ۵- راهبردهای مقابله‌ای شناختی- رفتاری
- ۶۲..... ۲-۳- ۶- راهبردهای مقابله‌ای براساس طبقه‌بندی اندلر و پارکر
- ۶۲..... ۲-۳- ۶- ۱- راهبرد مقابله‌های هیجانمدار:
- ۶۳..... ۲-۳- ۶- ۲- راهبرد مقابله‌های اجتنابی:
- ۶۳..... ۲-۳- ۷- مراحل مقابله
- ۶۴..... ۲-۳- ۸- منابع مقابله
- ۶۴..... ۲-۳- ۹- محدودیت‌ها برای استفاده از منابع مقابله‌ای

- ۴-۲- پیشینه پژوهش ۶۶
- ۴-۲-۱- پژوهش های انجام شده در داخل کشور ۶۶
- ۴-۲-۲- پژوهش های انجام شده در خارج کشور ۷۰

فصل سوم ۷۵

- روش شناسی پژوهش ۷۵
- ۳-۱- مقدمه ۷۵
- ۳-۲- روش علمی تالیف این کتاب ۷۵
- ۳-۳- جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری ۷۵
- ۳-۴- روش جمع آوری اطلاعات ۷۶
- ۳-۵- ابزار پژوهش ۷۶
- ۳-۶- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات ۸۲

فصل چهارم ۸۳

- تجزیه و تحلیل داده ها ۸۳
- ۴-۱- اطلاعات جمعیت شناختی ۸۳
- ۴-۲- یافته های استنباطی ۸۷
- ۴-۳- آمارهای استنباطی ۹۰
- ۴-۴- یافته های جانبی ۹۳

فصل پنجم ۹۷

- بحث و نتیجه گیری ۹۷
- ۵-۱- مقدمه ۹۷
- ۵-۲- بحث و نتیجه گیری ۹۷
- ۵-۳- محدودیت ها و موانع پژوهش ۱۰۴
- ۵-۴- پیشنهادهای مولف ۱۰۴
- ۵-۴-۱- پیشنهادهای پژوهشی ۱۰۴
- ۵-۴-۲- پیشنهادهای کاربردی ۱۰۵

منابع و مأخذ ۱۰۷

- الف) منابع فارسی ۱۰۷
- ب) منابع لاتین ۱۱۳

پیشگفتار

خانواده اولین نهاد اجتماعی است که از پیوند زناشویی زن و مرد تاسیس می شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی است. این پژوهش با هدف مقایسه سبک های دلبستگی، طرح های ناسازگاری اولیه و سبک مقابله ای در زنان مطلقه و زنان عادی انجام گردید. روش این مطالعه کاربردی به شیوه علی- مقایسه ای می باشد. جامعه آماری این کتاب، کلیه ی زنان متأهل که در سال ۱۳۹۷ جهت امرطلاق به دادگستری یا دفاتر وکالت مراجعه کرده بودند و زنان عادی. نمونه آماری شامل ۱۶۰ زن که در دو گروه (۸۰ زن متقاضی طلاق و ۸۰ زن عادی) تقسیم شدند. برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای پرسشنامه ، فیش برداری، منابع کتابخانه ای مکتوب و الکترونیکی استفاده شد. به منظور جمع آوری اطلاعات پژوهش حاضر از ۳ ابزار مقیاس دلبستگی بزرگسالان (AAS)، طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ و پرسشنامه راهبردهای مقابله ای استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین سبک های دلبستگی زنان متقاضی طلاق و زنان عادی، بین طرحواره های ناسازگار در افراد سالم و معتاد و بین مهارت مقابله ای در زنان عادی و زنان مطلقه تفاوت معنی داری وجود دارد.

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

خانواده را از آغازین روزهای حیات بشری اولین نهاد اجتماعی معرفی کرده اند که از پیوند زناشویی زن و مرد تاسیس می شود. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل های زنان عادی و سازنده میان انسان ها و برقرار بودن عشق به هم نوع و ابزار صمیمیت و همدلی به یکدیگر است (بهاری و همکاران، ۱۳۸۹). خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است و رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی خواهد شد (هابر^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). ولی لزوماً تمامی ازدواج ها موفق و با رضایت نبوده و برخی دچار مشکل شده که برخی از زوجین، این نارضایتی و ناخشنودی خود را از طریق جدایی و طلاق حل می کنند. یکی از عوامل موثر بر رضایمندی زناشویی تنظیم هیجانی است. تطبیق و سازگاری روان شناختی تا حد زیادی به تنظیم هیجان ها بستگی دارد. اکثر اختلالات روان شناختی به واسطه یک آشفتگی هیجانی مشخص می شوند و این آشفتگی به طور زیربنایی با کارکرد معیوب در تنظیم هیجانی مرتبط می گردد (لوپز^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). از سال ۱۹۳۸، که اولین تحقیق روی ازدواج توسط روانشناسی به نام لوپس

¹ - Huber

² - Lopes

ترمن^۱ (۱۹۹۸) منتشر شد تاکنون چیزهای زیادی توسط متخصصین در مورد فرایند ازدواج و طلاق مسیری که زن و مرد در زندگی مشترک طی می‌کنند مطرح شده است. در خصوص پیش‌بینی‌های شکست و موفقیت رابطه زناشویی نظریه‌ها، مدل‌ها، و رویکردهای متعددی مطرح شده است. مطابق نظریه تبادل اجتماعی یک شخص در صورتی در یک رابطه باقی می‌ماند که جاذبه‌های درونی آن قویتر از کشش‌های بیرونی آن باشند (دونان و جکسون^۲، ۱۹۹۰). در نظریه رفتاری در مورد ازدواج، تأکید بر تبادل رفتارهای خاص میان فردی است. مطابق این نظریه رفتارهای مثبت یا پاداش دهنده ارزیابی‌های کلی را از ازدواج بالا می‌برند، در که حالی رفتارهای منفی یا تنبیهی مضرند. یکی دیگر از رویکردهای نظری بانفوذ در خصوص بازده زناشویی نظریه دلبستگی است. بالبی (۱۹۶۹) که معتقد است ماهیت رابطه صمیمی (اول مادر-نوزاد)، ماهیت روابط صمیمی یک فرد را در سرتاسر زندگی تعیین می‌کند. این اندیشه‌ها را مستقیماً در روابط بزرگسالی به کار بردند و اعتقاد داشتند که رضایت از رابطه در دوره بزرگسالی تا حدی به زیادی ارضای نیازهای اساسی به مربوط آسایش، مراقبت و کامروایی جنسی بستگی دارد. در واقع، موفقیت یک رابطه خاص به بستگی این دارد که آیا هر عضو زوج اعتقاد دارد که شریکش می‌تواند آن نیازها را برآورده کند یا نه؟ پژوهشگران رابطه زناشویی که از این نظریه برای پیش‌بینی پیامدهای زناشویی بهره می‌جویند بر این فرضند که کاهشها در رضایت زناشویی و وقوع جدایی یا طلاق ناکامی در بهبودی از بحرانها را منعکس می‌کند. به طور کلی که، زوجینی رویدادهای استرس‌زای بیشتری را تجربه می‌کنند باید بیشتر در معرض پیامدهای زناشویی منفی باشند و این تأثیر باید به سطوح زوجین و تعریف زوجین از رویدادها تعدیل شود. بنابراین از آنجایی که طلاق و جدایی تأثیرات مهمی در سبک زیستن و توانایی‌های مقابله افراد با هم می‌گذارد و بر جنبه‌های مختلف زندگی هر دو زوج تأثیر می‌گذارد. از آنجایی که طلاق در نگرش اجتماعی به عنوان یک نقطه ضعف و منفی در زندگی اجتماعی افراد به ویژه زنان که نسبت به مردان آسیب پذیرتر هستند قلمداد می‌شود، جدایی به عنوان تنها شدن و بدون پشتوانه شدن، سطح اعتماد به نفس و عزت نفس افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد، به ویژه در این چرخه زنان معمولاً خود را با سایر افراد جامعه مورد مقایسه

¹ . Terman

² Donovan & Jackson

قرار می‌دهند. عوامل تنش‌زا و بحرانی که زوجین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند، چرخه‌ای از مسائل و مشکلات را برایشان پدید می‌آورد که ناخواسته نیازمند تغییر و تحولات بی‌شمار و سازگاری با آن‌ها است، این چرخه خود از تجربیات اولیه و ابتدایی زندگی افراد به ویژه در دامان خانواده و احساس امنیت، دلبستگی عاطفی و روانی و عزت نفس آنان ناشی می‌شود و از طرف دیگر تحت تأثیر شرایط روحی متقاضیان طلاق به ویژه زنان (به دلیل حساسیت روحی و روانی) قرار می‌گیرد که یکی از این موارد احساس عزت نفس است که هم در فرایند طلاق و هم پس از آن ممکن است در فرایند مقایسه‌ای که زنان متقاضی طلاق با زنان عادی دارند به شدت پایین آید (مرادی، ۱۳۹۵). پی‌آمدهای این تغییرات، همه‌ی زمینه‌های زندگی را، از امور روزمره تا وضعیت اقتصادی، اجتماعی، روانی، هویتی و حتی اهداف زن را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این شرایط معمولاً زن احساس می‌کند به عزت نفسش صدمه وارد شده و طلاق عامل اصلی این قضیه است، زن خود را قربانی شرایطی می‌یابد که او را در منگنه عاطفی قرار داده و ممکن است تبعات وخیمی برای وی داشته باشد. از این رو این پژوهش در پی آن است که با مقایسه سبک‌های دلبستگی، طرح‌های ناسازگاری اولیه و سبک مقابله‌ای زنان متقاضی طلاق با زنان عادی به یک شناخت پیرامون مسئله دست یافت و به لحاظ کاربردی، راهکارهای پیشگیری از این قبیل آسیب‌ها پیگیری شود. در کتاب حاضر به دنبال مقایسه سبک‌های دلبستگی، در زنان مطلقه و زنان عادی می‌باشد.

۱-۲- بررسی ماهیتی موضوع این اثر علمی

میزان بالای طلاق در جوامع تایید کننده این حقیقت است که بسیاری از زوجین نسبت به ماندن در ازدواج‌های ناکام تمایلی ندارند. در ایران مطابق با آمارهای ارائه شده، میزان طلاق سالانه در حال افزایش است (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰). سازه‌های روانشناختی متعددی از سوی روانشناسان و مشاوران خانواده در حوزه طلاق مورد بررسی قرار گرفته است که در پژوهش حاضر به برخی از آن‌ها از جمله سبک‌های دلبستگی، طرح‌های ناسازگاری اولیه، سبک مقابله‌ای پرداخته می‌شود. یکی از برجسته‌ترین مفاهیم روانشناسی معاصر، مفهوم دلبستگی است (محمدی، ۱۳۸۹). دلبستگی یک رابطه عاطفی قوی است که فرد را به یک دوست صمیمی متصل می‌کند (اعتبار

جهرمی، ۱۳۸۹). نظریه دلبستگی بر این باور است که دلبستگی، پیوندی جهان شمول است و در تمام انسان‌ها وجود دارد (خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶). ویس^۱ (۱۹۸۲)، دلبستگی بزرگسالان را به عنوان ایجاد پیوند توسط یک بزرگسال با بزرگسال دیگر دانسته که در جنبه‌های اساسی و مهم، مشابه دلبستگی است که در کودکان نسبت به مراقب اصلی خود ایجاد می‌شود، می‌داند. این پیوند، درست مثل آن چه که در کودکان وجود دارد تنها در روابطی ظاهر می‌شود که اهمیت هیجانی دلبستگی بزرگسالان واجد تفاوت‌های مفهومی و ساختاری با دلبستگی در دوره کودکی است (موسوی، ۱۳۸۸). طبق نظریه بالبی جدایی از منبع ایمنی بخش می‌تواند با گسستگی ارتباط فرد با دیگر افراد جامعه و گرایش او به سمت مواد مخدر به منظور فرار از ترس‌ها، اضطراب‌ها و پناه بردن به رویا و... ارتباط داشته باشد (هاشم ورزی و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر دوزیر^۲ و همکاران نقش راهبردهای جبرانی افراد ناایمن را به عنوان یک عامل خطر در سلامت روانی برجسته می‌سازد (هاشم ورزی و همکاران، ۱۳۹۰) بک نقش تعیین کننده تجارب مرتبط با دوره کودکی را در شکل‌گیری عقاید هسته‌ای و راهبردهای جبرانی، بخشی از زندگی آدمی شمرده شده و بیان داشته که امری اجتناب ناپذیر است. بررسی‌های یاد شده در مورد تنیدگی بر این نکته تأکید دارند که آن چه سلامت رفتار را با خطر روبه رو می‌کند، خودتنیدگی نیست، بلکه شیوه ارزیابی فرد از تنیدگی و روش‌های مقابله با آن است. به بیان دیگر مقابله یک متغیر تعدیل‌گر مهم در رابطه میان تنیدگی و پیامدهایی همچون اضطراب و افسردگی به شمار می‌رود. از این رو اگر تلاش‌های مقابله‌ای فرد از نوع مؤثر، با کفایت و سازگارانه باشد، تنیدگی کمتر فشارزا به شمار می‌رود و واکنش نسبت به آن نیز در راستای کاهش پیامدهای منفی آن است. همچنین اگر سبک یا الگوی مقابله، ناسازگار و ناکافی باشد، نه تنها تنیدگی را مهار نمی‌کند بلکه خود این واکنش منبع فشار به شمار آمده و شرایط را بدتر می‌کند. از آنجا که توانایی مقابله کارآمد می‌تواند تنیدگی‌های کنونی، آینده و نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی را کاهش دهد از این رو می‌توان با اصلاح الگوی مقابله با تنیدگی در معتادان، روش سالمی را برای کنار آمدن با شرایط فشارزا به آن‌ها آموخت (عاشوری و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین کنار آمدن، تلاش شناختی، هیجانی و رفتاری

¹-Weiss

²- Dozier

شخص برای کنترل درخواست‌های بیرونی، درونی به خصوص است که فرد را تهدید می‌کند یا به مبارزه می‌طلبد. به عبارت دیگر، کنار آمدن، تلاش شخص برای برخورد با استرس زاست. پس هنگامی که حادثه فشارزایی برای اشخاص روی می‌دهد، افراد محرک را ارزیابی می‌کند و پاسخ‌های مقابله‌ای ارائه می‌دهند (موسوی، ۱۳۸۸). رابینسون^۱ و والش^۲ (۱۹۹۴)، پژوهشی تحت عنوان "عوامل شناختی مؤثر بر پرهیز در بین زنان عادی و زنان در شرف طلاق" انجام دادند و گزارش کردند که، زنانی که پیوسته از مسئله طلاق پرهیز نموده‌اند، راهکارهای مقابله‌ای بهتر و کاراتر و خودکفایی بیشتر نسبت به دیگران داشته‌اند. لوینسون^۳، گوتلیب^۴ و سیلی^۵ (۱۹۹۵)، نیز در پژوهشی نداشتن مهارت‌های مقابله‌ای کافی را یک عامل خطر مهم در شروع مسئله اختلافات زناشویی دانسته‌اند. در بررسی کویرک^۶ (۱۹۹۸)، نیز بیشتر افرادی که دارای تعارضات خانوادگی بودند، دارای شیوه‌های مقابله‌ای غیر انطباقی گزارش گردیده‌اند. در این میان، پژوهش‌هایی انجام شده حاکی از رابطه طلاق با اختلالات شخصیتی، مانند اختلالات شخصیت ضداجتماعی، مرزی، خود شیفته، نمایشی و ... می‌باشد (سهند و همکاران، ۱۳۹۳). شخصیت فرد به ساختار روانی او بستگی دارد و با توجه به برخی عوامل ساختاری ثابت که می‌توان آن‌ها را همچون طرح‌واره^۷‌ها در نظر گرفت تعریف می‌شود. مفهوم طرح‌واره، اساس نظریه‌های شناختی درباره آسیب‌شناسی روانی و روان‌درمانی را تشکیل می‌دهد. براساس نظریه یانگ^۸ (۱۹۹۰)، رفتارهای ناسازگارانه در پاسخ به طرح‌واره ایجاد شده و سپس بعدها به وسیله طرح‌واره‌ها برانگیخته می‌شوند. یانگ معتقد است طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه عمیق‌ترین سطح شناخت می‌باشند، همچنین الگوی ثابت و درازمدتی‌اند که در دوران کودکی به وجود آمده و تا زندگی بزرگسالی ادامه می‌یابند. آن‌ها تا حد زیادی ناکارآمدند و نقش اولیه و پایه‌ای در تجارب بیماران داشته و بر فرآیند تجارب بعدی تاثیر می‌گذارند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر نحوه تفکر، احساس و عملکرد بیماران یا اینکه با

¹-Robinson

²-Walsh

³-Lowinson

⁴-Gotlib

⁵-Seeley

⁶-Quirk

⁷-Schemas

دیگران چگونه ارتباط برقرار کنند نقشی اساسی دارند (احمدیان، ۱۳۸۵). طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه و شیوه‌های ناسازگارانه‌ای که بیماران برای مقابله با آن‌ها یاد می‌گیرند اغلب زیربنای علایم اختلالات مزمن محور یک همانند اختلالات افسردگی، اضطراب و روان‌تنی هستند (سهند و همکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های پژوهش کاکرو^۱، نلسون^۲، گیلیه^۳ (۲۰۰۴)، بیانگر همبستگی بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و شدت اختلالات محور II در افراد دارای اختلال شخصیت بود، آن‌ها دریافتند که اختلال شخصیت ضد اجتماعی شدید با طرح‌واره‌های بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، بازداری هیجانی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر، و اختلال شخصیت مرزی با رها شدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری و اختلال شخصیت افسرده با بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/ شرم، شکست و اطاعت رابطه معناداری دارند (خوش لهجه صدق و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین در این پژوهش محقق با محور قرار دادن این سه متغیر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین سبک‌های دل بستگی، مهارت‌های مقابله‌ای، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زنان مطلقه و زنان عادی تفاوتی وجود دارد؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت تالیف این کتاب

خانواده از ابتدای تاریخ در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشا فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و به ویژه کانون محوری آن و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی شده و غفلت از آن موجب دور شدن از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است و به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه اش از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اجتماعی بوده است. از یک سو واکنش متقابل خانواده، چگونگی کیفیت زندگی و تاثیر آن بر اجزا دیگر، پژوهشگران را بر آن داشته که با رویکردهای مختلف به مطالعه این واحد اجتماعی همت گمارند. طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوجین منجر نمی‌شود و بنا به دلایلی زن و شوهر همچنان در یک محیط و در زیر یک سقف در کنار هم به زندگی

1-Cecero

2-Nelson

3-Gillie

مشغولند، زندگی آنها به ازدواجی پوچ تبدیل شده است که فاقد عشق و مصاحبت است. با رشد فزاینده آمار طلاق، برخی از خانواد های ایرانی امروزه با کاهش فضای عاطفی در خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده روبرو هستند که این پدیده می تواند به رخدادی به نام طلاق منجر شود. مطالعه در رابطه با سبکهای مقابله ای افراد و سبکهای دلبستگی آنها به ما کمک می کند تا بتوانیم به درستی درباره ویژگیهای افراد برنامه های طولانی مدتی را جهت کاهش نرخ طلاق در جامعه به کار ببریم. چون افزایش طلاق می تواند مشکلات زیادی در سطح جامعه ایجاد کند بنابراین ضروری است که در این زمینه مطالعه کنیم تا سبک دلبستگی افراد را که بیشتر مستعد طلاق گرفتن هستند بشناسیم و به خانواده ها آموزش دهیم که از ابتدا سبک دلبستگی و مقابله ای خاصی را به فرزندان خود بیاموزند و یا مشاورین در بخش مشاوره پیش از ازدواج بر اساس سبک دلبستگی افراد بتوانند افراد مستعد طلاق را شناسایی و مانع ازدواج و شکست بعدی آنها شوند. پژوهش حاضر در جهت برآوردن نیازهای گوناگون در زمینه ی روان شناسی است. این نیازها می تواند شامل بالا رفتن آگاهی یا دانش مردم، کمک کردن به مشاوران یا درمانگران و مراجعین باشد. هر روز بر تعداد این پژوهش ها نیز افزوده می شود و دانشجویان علاقه مند به این زمینه می توانند روی موضوعات جدیدتر کار کنند.

۱-۴-اهداف تالیف این کتاب

۱-۴-۱- هدف اصلی

- تعیین تفاوت بین سبک های دلبستگی، طرح های ناسازگاری اولیه و سبک مقابله ای در زنان مطلقه و زنان عادی

۱-۴-۲- اهداف ویژه

- تعیین تفاوت بین سبک های دلبستگی در زنان مطلقه و زنان عادی
- تعیین تفاوت بین طرح های ناسازگاری اولیه در زنان مطلقه و زنان عادی
- تعیین تفاوت بین سبک مقابله ای در زنان مطلقه و زنان عادی

۱-۵-فرضیه های مطرحه مولف

- بین سبک های دل‌بستگی در زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین طرح های ناسازگاری اولیه در زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین سبک مقابله ای در زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

۱-۶- تعاریف مفهومی

۱-۶-۱- سبک دل‌بستگی:

دل‌بستگی عبارت از پیوند یا رابطه هیجانی با یک فرد دیگر است جان باولی روان شناس نخستین نظریه پرداز دل‌بستگی بود. او دل‌بستگی را چنین توصیف کرده است در ارتباط روانی پایدار بین دو انسان. بنابراین نحوه ای که فرد با یک مظهر مراقبت کننده رابطه برقرار می کند به کسب احساس آرامش و ایمنی که در مجاورت عاشق به معشوق به دست می دهد و حساسیت و پاسخگو بودن به نیازهای معشوق اطلاق می کرد (بالبی^۱، ۱۹۶۹).

۱-۶-۲- سبک های مقابله ای:

سبک های مقابله ای فرایندی است که طی آن فرد کوشش می کند به هنگام رویارویی به خواسته های محیطی مشکلات خود را حل نماید. سبک های مقابله ای کوشش های فعال و غیر فعال می باشد که در پاسخ به شرایط تهدید کننده با هدف رفع تهدید و کاهش ناراحتی های هیجانی به کار برده می شود (اندلر و پارکر^۲، ۱۹۹۰).

۱-۶-۳- طرح واره های ناسازگاری اولیه

طرحواره ها همانند چارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می روند و تعیین کننده واکنش های عاطفی افراد نسبت به موقعیت های زندگی و روابط بین فردی می باشند و به عنوان صافی و کلیشه، در خالص کردن تجربه فرد از دنیا عمل می کنند و فرد را در سازماندهی رفتارش یاری می دهند و همچنین در زندگی فرد به عنوان عدسی هایی عمل می کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می دهند. به بیان دیگر، نوعی الگوی سازمان یافته تفکر، احساس و

1. Balbi

2. Andlor&Parker

رفتار مبتنی بر مجموعه ای از طرحواره هاست (یوسف نژاد شیروانی و پیوسته گر ۱۳۹۰). از آن جا که طرحواره ها هسته خودپنداره افراد را شکل می دهند، اگر دارای محتوای ناسازگار باشند افراد را نسبت به گستره ای از کاستی ها و مشکلات آسیب پذیر می کنند. بررسی های چندی که در این زمینه انجام شده، نشان می دهند که طرحواره های ناسازگار اولیه در شکل گیری و گسترش بسیاری از مشکلات نقش دارند (حقیقت منش و همکاران ۱۳۸۹).

۱-۷- تعاریف عملیاتی :

۱-۷-۱- سبک های دلبستگی:

مولفه ای است که با ازمون دلبستگی بزرگسالان سنجیده می شود. و ۳ سبک ایمن، نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابگر در آن توصیف می شود.

۱-۷-۲- سبک های مقابله ای:

سبک های مقابله ای در این پژوهش توسط پرسشنامه راهبردهای مقابله ای اندلر و پارکر^۱ (۱۹۹۰)، بررسی می شود افراد براساس این پرسشنامه می توانند سبک های مقابله ای هیجان مدار یا مسأله مدار داشته باشند.

۱-۷-۳- طرحواره های ناسازگاری اولیه

نمره ای است که آزمودنی از پرسشنامه ۷۵ سؤالی یانگ کسب می کند و برای سنجش ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه شناختی شامل محرومیت هیجانی، رهاشدگی / بی ثباتی، بی اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی / یگانگی، نقص / شرم، شکست، وابستگی / بی کفایتی، آسیب پذیری به ضرر، گرفتاری / در دام افتادگی، اطاعت، از خود گذشتگی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه / عیب جویی افراطی، استحقاق / بزرگ منشی و خویشن داری / خود انضباطی ناکافی طراحی شده است.

¹. Andler&Parker

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه علمی

۱-۲- بررسی سبک دلبستگی^۱

۱-۱-۲- تعریف سبک های دلبستگی

دلبستگی عبارت از پیوند یا رابطه هیجانی با یک فرد دیگر است جان باولی روان شناس نخستین نظریه پرداز دلبستگی بود. او دلبستگی را چنین توصیف کرده است در ارتباط روانی پایدار بین دو انسان. بنابراین نحوه ای که فرد با یک مظهر مراقبت کننده رابطه برقرار می کند به کسب احساس آرامش و ایمنی که در مجاورت عاشق به معشوق به دست می دهد و حساسیت و پاسخگو بودن به نیازهای معشوق اطلاق می گردد (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱).

۲-۱-۲- نظریه های دلبستگی

پیدایش دلبستگی و رشد آن را می توان از دیدگاه های روان تحلیل گری، کردارشناسی و رفتارگرایی^۲ بررسی نمود. همه این نظریه های تحولی به گونه ای به رابطه اولیه کودک - مادر و تأثیر سازنده یا مخرب آن بر هیجانات، عواطف و رفتار و در مجموع شخصیت کودکی و بزرگسالی افراد تأکید داشته اند. رابطه مادر - کودک، مهمترین اصلی است که در رشد شخصیت

^۱ - Attachment style

^۲. Behaviorism theory

انسان مورد تأکید اکثر روان‌شناسان قرار گرفته است. در نظریات مختلف روان‌شناسی جهت توصیف روابط والد-فرزند، اصطلاحات مختلفی بکار گرفته شده است: روابط موضوعی، وابستگی^۱ و دلبستگی. اگرچه این واژه‌ها مترادف نیستند؛ اما در معنی تا حدودی یا یکدیگر همپوشی دارند (پاکدامن، ۱۳۹۰). جان بولی (۱۹۶۹)، که اولین بار این عقیده را در مورد پیوند کودک-مراقبت‌کننده به کار برد، از تحقیقات کنراد لورنز در مورد نقش پذیری در بچه‌غازها الهام گرفت. بولی معتقد بود که بچه انسان مانند بچه‌ی سایر گونه‌های حیوانی، از یک رشته رفتارهای فطری برخوردار است که به نگه داشتن والد نزدیک او برای محافظت کردن از وی در برابر خطر و حمایت کردن از او در کاوش کردن محیط و تسلط یافتن بر آن کمک می‌کنند. تماس با والد در عین حال تضمین می‌کند که بچه تغذیه خواهد شد، ولی بولی خاطر نشان کرد که تغذیه برای دلبستگی ضروری نیست، بلکه پیوند دلبستگی را در بستر تکاملی، که در آن بقای گونه بیشترین اهمیت را دارد، بهتر می‌توان درک کرد. به عقیده بولی، رابطه بچه با والد به صورت یک رشته علایم فطری آغاز می‌شود که والد را به سمت بچه می‌کشاند. به مرور زمان، پیوند عاطفی شکل می‌گیرد و توانایی‌های شناختی و هیجانی جدید و تاریخچه مراقبت صمیمانه و محبت‌آمیز به آن کمک می‌کند. دلبستگی در چهار مرحله شکل می‌گیرد:

۲-۱-۳- مرحله پیش دلبستگی (تولد تا ۶ هفتگی)

انواع علایم فطری، چنگ زدن، لبخند زدن، گریه کردن و خیره شدن به چشمان فرد بزرگسال - نوزادان کمک می‌کنند تا با انسانهای دیگر، که به آنها آرامش می‌دهند، ولی هنوز به او دلبسته نیستند، زیرا اهمیتی نمی‌دهند که به بزرگسال غریبه‌ای سپرده شوند.

۲-۱-۴- مرحله دلبستگی در حال شکل‌گیری (۶ هفتگی تا ۸-۶ ماهگی)

نوباوگان در طول این مرحله به مراقبت‌کننده آشنا به صورت متفاوت با یک غریبه پاسخ می‌دهند. هنگامی که کودکان یاد می‌گیرند که اعمال آنها بر رفتار کسانی که پیرامون آنها هستند

¹. Attachment